حقایقی دربارهٔ دروغ‌گویی

آموزش صداقت به کودکان
در هر سن و در هر مرحله‌ای از رشد

مؤلف

دکتر ویکتوریا تالوار

ترجمه

راهبه یغمایی

کتاب ارجمند

فهرست

سخن مترجم ۹
مقدمه: ما می‌توانیم صداقت را به کودکان بیاموزیم ۱۱

بخش ۱: آنچه باید دربارهٔ دروغ‌های کودکان بدانید ۱۵

فصل ۱: دیدگاه منطقی داشته باشید: رفتار بزرگ‌سالان ۱۷
فصل ۲: چگونه دروغ‌گویی به‌عنوان یک بخش طبیعی از رشد کودک پدیدار می‌شود ۲۷
فصل ۳: چرا افراد دروغ می‌گویند ۴۹

بخش ۲: آموزش صداقت به کودکان ۶۵

فصل ۴: آرامش خود را حفظ کنید و به انگیزه‌ها بپردازید ۶۷
فصل ۵: از انضباط مثبت استفاده کنید ۸۶
فصل ۶: با کودکان دربارهٔ صداقت صحبت کنید ۱۰۷
فصل ۷: صداقت را تشخیص دهید و آن را تصدیق کنید ۱۲۵
فصل ۸: به حرف خود عمل کنید ۱۴۰
فصل ۹: ارتباط باز را تشویق کنید ۱۵۱
فصل ۱۰: بنیادی برای رشد شخصیت بسازید ۱۶۹

بخش ۳: منطقهٔ خاکستری ۱۹۳

فصل ۱۱: رازها و خبرچینی‌ها ۱۹۵
فصل ۱۲: گاهی دروغ نشانهٔ مشکلات دیگر است ۲۱۲
سخن آخر ۲۲۸

منابع ۲۳۰
واژه‌نامهٔ انگلیسی به فارسی ۲۳۵
واژه‌نامهٔ فارسی به انگلیسی ۲۳۷
دربارهٔ نویسنده ۲۳۹

مقدمه: ما می‌توانیم صداقت را به کودکان بیاموزیم

صداقت پایه و اساس زندگی ما است. روابط ما با دیگران و اعتماد و امنیت ما در بین اطرافیان، جامعه و نهادهایمان، همچنین توانایی ما برای سازمان‌دهی، عملکرد و ادارهٔ جامعه بر این پایه استوار است. ما بدون مبنا قرار دادن صداقت نمی‌توانیم بنیان محکمی برای ساختن روابط و نهادهایمان داشته باشیم. آیا به نظر شما این یک جملهٔ اغراق‌آمیز است؟

بیایید باهم یک آزمایش فکری انجام دهیم. تصور کنید در برج اداری محل کارتان آتش‌سوزی رخ داده است. یکی از همکاران‌تان در مقام مأمور آتش‌نشانی برای طبقهٔ شما منصوب شده است که وظیفهٔ او هدایت و راهنمایی شما در چنین مواقعی است. شما مسیرهایی را دنبال می‌کنیدکه او نشان می‌دهد. وقت تنگ است و به همکار خود اعتماد دارید که شما را به‌درستی هدایت کند. با راهنمایی او به طبقهٔ همکف می‌رسید و آتش‌نشان‌ها با عجله از میان درها عبور می‌کنند. آنها مسیر فرار را به شما نشان می‌دهند. دوباره، آن مسیرها را دنبال می‌کنید و به یک مکان امن می‌رسید و اطمینان دارید که آنها تمام تلاش خود را می‌کنند تا اطلاعات و مسیرهایی را برای کمک به شما ارائه دهند. شما اطمینان دارید که آنها راهنمایی‌های صادقانه و دقیقی می‌دهند و سعی می‌کنند به شما کمک کنند، نه اینکه به‌عمد شما را گمراه کنند. ممکن است فرصت نداشته باشید که آگاهانه به این موضوع فکر کنید. شما فقط با این فرض واکنش نشان می‌دهید که باید به آنچه آنها می‌گویند اعتماد کنید. در این مورد، این فرض به شما کمک می‌کند تا به‌سرعت حرکت کنید و جان خود را نجات دهید.

از آنجایی که صداقت پایه‌ای برای روابط و نهادها است، ما می‌خواهیم فرزندان‌مان صادق باشند. وقتی فرزندان‌مان دروغ می‌گویند، ممکن است احساس آزردگی، ناراحتی، ناامیدی و عصبانیت کنیم یا حتی احساس کنیم که به ما خیانت شده است. وقتی متوجه می‌شویم کسی به ما دروغ گفته است، این احساسات طبیعی هستند. بااین‌حال، این احساسات در مورد دروغ‌گویی فرزندان‌مان ممکن است شدیدتر و جدی‌تر باشد و با نگرانی همراه شود: چرا فرزندم به من دروغ می‌گوید؟ این در مورد فرزندم و در مورد رابطهٔ ما چه معنایی دارد؟ برای جلوگیری از این رفتار چه کاری باید انجام دهم؟

هدف این کتاب پاسخ‌گویی به این سؤالات برای والدین و بزرگ‌سالانی است که از کودکان مراقبت می‌کنند.

اگر می‌خواهیم کودکان به بزرگ‌سالانی صادق و مسئولیت‌پذیر تبدیل شوند، باید به آنها آموزش دهیم. کودکان رفتارها، توانایی‌ها و دانش را از طریق آموزش کسب می‌کنند. ما چیزهای زیادی به کودکان یاد می‌دهیم: اینکه چگونه با اطمینان خاطر از خیابان عبور کنند یا چگونه عمل ضرب را انجام دهند یا چگونه انشا بنویسند. ما همچنین باید فعالانه به آنها یاد بدهیم که برای جامعه مفید باشند و بزرگ‌سالانی را مثال بزنیم که دارای ویژگی‌های شخصیتی هستند که احساس می‌کنیم برای رشد مثبت آنها و دنیای ما ضروری است. اینکه از کودکان انتظار داشته باشیم به‌تنهایی متوجه این درس‌ها شوند، نادیده گرفتن و به دست تقدیر سپردن آن دسته از رفتارها و ویژگی‌هایی است که در موفقیت آنها تأثیر می‌گذارد.

اگر برای صداقت ارزش قائل هستید و می‌خواهید فرزندان‌تان راست‌گو باشند، باید در مورد صداقت با آنها صحبت کنید، به آنها بیاموزید که صداقت داشتن در موقعیت‌های مختلف چگونه است و به آنها کمک کنید تا درک و ارزیابی بهتری از این ویژگی داشته باشند. شما باید در مورد موقعیت‌های مختلف و اینکه چگونه می‌توانید صداقت داشتن را تمرین کنید با آنها گفت‌وگو کنید. با توجه به وسوسهٔ دروغ گفتن که همهٔ ما ممکن است به آن دچار شویم و پیچیدگی‌های تعاملات اجتماعی ما و همچنین تمایل ما به انجام بعضی کارها تنها به خاطر نگران بودن در مورد دیگران و همچنین منفعت شخصی خود، کودکان نیاز به کمک دارند تا در مورد اینکه در موقعیت‌های مختلف چگونه راست‌گو و صادق باشند راهنمایی شوند؛ زیرا آنها نیز رشد می‌کنند و با زمینه‌های اجتماعی جدید و دوستان جدیدی روبه‌رو می‌شوند و به موازات آن هویت شخصی آنها نیز رشد خواهد کرد.

ما *می‌توانیم* به کودکان بیاموزیم که صادق باشند. من در مقام پژوهشگر حوزهٔ روان‌شناسی، سال‌های زیادی را صرف مطالعهٔ دروغ‌گویی و راست‌گویی کودکان کرده‌ام. بر اساس مطالعات من و سایر محققان، ما فهمیدیم که چه راهکارهایی برای داشتن صداقت مؤثر است و چه راهکارهایی نتیجه‌بخش نیست. در این کتاب، من راه‌های عملی و اثبات‌شده‌ای را برای تقویت صداقت در بچه‌ها از اوایل کودکی تا اواخر نوجوانی، زمانی که آنها در حال گذار به بزرگ‌سالی هستند، ارائه می‌دهم. این شامل هر دو رویکرد فعال است، یعنی صحبت کردن با کودکان در مورد صداقت و سرمشق قرار دادن این ویژگی برای آنها و همچنین نحوهٔ واکنش نشان دادن به هنگام دروغ‌گویی (که خواه‌ناخواه اتفاق می‌افتد!). من این کتاب را در درجهٔ اول برای والدین نوشته‌ام. همچنین این کتاب منبع ارزشمندی برای معلمان، مشاوران، رهبران گروه‌های جوانان و سایر افرادی است که با کودکان کار می‌کنند.

ازآنجایی‌که توصیه‌های من مبتنی بر مطالعات روان‌شناختی است، برخی از جالب‌ترین آزمایش‌های

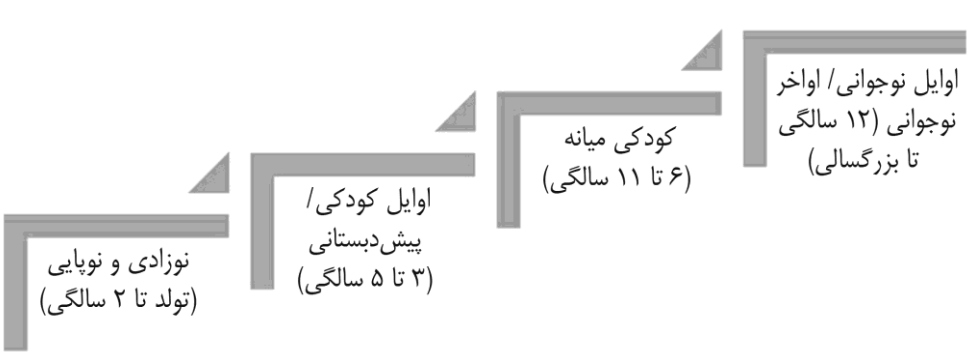
مرتبط با توصیه‌های خود را نیز شرح می‌دهم. خوانندگانی که ذهنیت دانشگاهی دارند ممکن است مایل به خواندن مطالعات اصلی باشند، بنابراین من استناد به مقالات اصلی را هم ارائه می‌کنم. بااین‌حال، این کتاب برای والدین و کسانی که با کودکان کار می‌کنند نوشته شده است؛ بنابراین تأکید آن بر توصیه‌های عملی است که می‌توانید برای تقویت صداقت در کودکان از آنها استفاده کنید.

هنگامی‌که توصیه‌های خاصی برای سنین مختلف وجود دارد یا یافته‌های تحقیقاتی در مورد مرحلهٔ خاصی از رشد هستند، من به سنین خاص کودکان مورد نظر یا به مراحل رشد توصیف‌شده در شکل اشاره می‌کنم. هنگام صحبت به‌صورت عمومی که به فرزندان شما در سنین مختلف (چه ۷ یا ١٤ ساله) مربوط می‌شود یا هنگام اشاره کردن به رابطهٔ بین والدین و فرزندان، از عبارت «فرزند» استفاده می‌کنم.

سه فصل اول که درمجموع قسمت اول کتاب را تشکیل می‌دهند، یعنی آنچه باید دربارهٔ دروغ‌های کودکان بدانید، اطلاعات زمینه‌ای ضروری را ارائه می‌کنند. برای اینکه به‌طور مؤثر به کودکان بیاموزید که صادق باشند، ابتدا باید دیدگاه وسیع و جامع‌تری در مورد اینکه دروغ‌گویی در بزرگسالان چقدر رایج (یا غیر معمول) است داشته باشید. همان‌طور که فصل ۱ توضیح می‌دهد، بیشتر بزرگسالان در اغلب اوقات صادق هستند، اما حتی بزرگ‌سالانی که کم وبیش همیشه صادق هستند نیز گاهی وابسته به موقعیتی که در آن قرار گرفته‌اند دروغ می‌گویند. امید است دانستن این موضوع به شما کمک کند تا ضمن آموزش صادق بودن، موضعی هوشمندانه و دلسوزانه نسبت به فرزندان خود داشته باشید.

فصل ۲ به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه کودکان توانایی دروغ گفتن را در خود رشد می‌دهند و چه چیزی بر تصمیم‌گیری آنها برای گفتن حقیقت یا دروغ تأثیر می‌گذارد. خردسالان در ابتدا دروغ نمی‌گویند. این توانایی درواقع زمانی ظهور می‌کند که مهارت‌های کلامی و شناختی آنها به‌طور فزاینده‌ای پیشرفت می‌کند. با درک چگونگی ظهور و رشد دروغ‌گویی، متوجه خواهید شد که رفتار معمولی در کودکان در سنین مختلف چیست.

سن و مراحل رشد



فصل ۳ به بررسی این موضوع می‌پردازد که چه چیزی به افراد انگیزهٔ دروغ گفتن می‌دهد. درک انگیزه‌ها به ما کمک می‌کند تا شرایط زمینه‌سازی که دروغ‌گویی را خوشایندتر از هرگونه احساس نگرانی و ارزش آن را بالاتر از ارزش صداقت می‌کند، ببینیم. اگر بدانیم چرا کودک دروغ می‌گوید، می‌توانیم با رسیدگی به انگیزه‌های اصلی، شرایطی را ایجاد کنیم که صداقت را در او تقویت کند.

بخش دوم یعنی آموزش صداقت به کودکان، قلب این کتاب است که در آن راهبردهای عملی برای ترویج صداقت در کودکان را به اشتراک می‌گذارم. ازآنجایی‌که بسیاری از والدین قبل از هر چیز به این فکر می‌کنند که وقتی کودک دروغ می‌گوید چه کاری انجام دهند، ما نیز با همین موضوع شروع می‌کنیم. فصل‌های ٤ و ٥ توضیح می‌دهند که چگونه به دروغ‌ها به روشی پاسخ دهید که صداقت و دیگر ویژگی های مثبت را در کودکان رشد دهد. هدف این است که آرامش خود را حفظ کنید، به انگیزهٔ اصلی رسیدگی کنید و به‌جای تنبیه کردن کودک بر آموزش دادن به او تمرکز کنید.

راهبردهای واکنشی ضروری هستند؛ اما ما به راهبردهای فعال نیز نیاز داریم. فصل ٦ تا ١٠ راهبردهای فعال برای آموزش صداقت به کودکان را ارائه می‌کند. این راهبردها شامل صحبت با کودکان در مورد صداقت (فصل ٦)، تصدیق کردن کودکان زمانی که آنها حقیقت را می‌گویند (فصل ٧)، مدل‌سازی صداقت (فصل ٨)، تشویق ارتباط باز با کودکان (فصل ٩) و ایجاد مبنایی برای شخصیت اخلاقی (فصل ١٠) است.

اگرچه اکثر دروغ‌هایی که کودکان می‌گویند به‌وضوح ناخوشایند هستند و می‌توان آنها را با استفاده از راهبردهای فصل ٤ و ٥ کنترل کرد، اما مناطق خاکستری وجود دارد که قسمت سوم کتاب با عنوان منطقهٔ خاکستری، به آنها می‌پردازد. به‌عنوان مثال، بسته به موقعیت، ممکن است فاش کردن راز یا خبرچینی کردن مناسب یا نامناسب باشد. فصل ١١ این مسائل را بررسی می‌کند. علاوه بر این، درحالی‌که دروغ گفتن بخشی طبیعی از رشد کودک است (حتی اگر برای ما ناخوشایند باشد!)، گاهی‌اوقات دروغ می‌تواند نشانه‌ای از مشکلات اساسی دیگر باشد. این امر به‌ویژه زمانی صادق است که دروغ‌ها مستمر یا اجباری باشند. فصل ١٢ به این موضوع می‌پردازد که چه زمانی دروغ گفتن ممکن است یک رفتار مشکل ساز جدی باشد و چگونه ممکن است با اختلالات مختلف دوران کودکی و همچنین رفتارهای مخاطره‌آمیز و ضداجتماعی در نوجوانان مرتبط باشد.

این کتاب با نکاتی در مورد چگونگی آموزش صداقت به کودکان و نحوهٔ مدیریت انتظارات خود به پایان می‌رسد. هیچ رویکرد «ثابت» یا هیچ رویکرد کاملی وجود ندارد و کمال دست‌یافتنی نیست. بااین‌حال، همان‌طور که در سرتاسر کتاب بحث می‌شود، ما می‌توانیم به کودکان بیاموزیم که صادق باشند و با توجه و مهربانی، پیوندهایی از اعتماد را در روابط خود ایجاد کنیم که در آن صداقت ارزش‌گذاری و تمرین شود و پرورش یابد.

بخش ۱

آنچه باید دربارهٔ دروغ‌های کودکان بدانید

فصل ۱

دیدگاه منطقی داشته باشید: رفتار بزرگ‌سالان

وقتی فرزندتان دروغ می‌گوید، اشکالی ندارد که ناراحت شوید. به‌هرحال صداقت یک ارزش ضروری برای عملکرد جامعه است و وقتی فرزندتان به شما دروغ می‌گوید، ممکن است احساس کنید به شما توهین شده است؛ اما برای تقویت صداقت بهتر است از واکنش افراطی اجتناب کنید. من در فصل‌های ٤ و ٥ این کتاب، مؤثرترین راه‌های واکنش به دروغ را توضیح می‌دهم. در حال حاضر، می‌خواهم دیدگاه وسیع‌تری را ارائه کنم که (امیدوارم) به شما کمک کند زمانی که فرزندتان خواسته یا ناخواسته به شما دروغ می‌گوید آرامش خود را حفظ کنید. در اصل، از شما می‌خواهم که به یاد داشته باشید که حتی در بزرگ‌سالی، همه دروغ می‌گویند، اما بیشتر افراد در بیشتر مواقع صادق هستند.

درک ما از رفتار بزرگ‌سالان مهم است. چون به ما کمک می‌کند تا در مورد رفتار خود کمی تأمل کنیم، به ما کمک می‌کند تا در مورد رفتار بزرگ‌سالانی که در اطراف‌مان هستند و کودکان ناظر رفتارهای آنها هستند نیز تأمل کنیم و همچنین به ما کمک می‌کند به این موضوع که دوست داریم چگونه فرزندان‌مان بزرگ شوند و به چه نوع بزرگ‌سالی تبدیل شوند نیز فکر کنیم.

در این فصل من به‌طور خلاصه در مورد اینکه دروغ‌گویی چیست، چقدر رایج است و چرا بزرگ‌سالان علی‌رغم اهمیت گفتن حقیقت، دروغ می‌گویند صحبت می‌کنم. همچنین در مورد توانایی‌های عمومی برای تشخیص دروغ نیز بحث خواهم کرد. دانستن اینها زمینه را برای درک رفتار کودکان و همچنین ایجاد پاسخی همدلانه و منطبق با رفتار کودکان فراهم می‌کند. اگر می‌خواهیم کودکانی باصداقت تربیت کنیم، باید در مورد رفتار بزرگ‌سالانی که کودکان نظاره‌گر آنها هستند فکر کنیم؛ اما ابتدا اجازه دهید با دید وسیع‌تر و کلی‌تری به فریب نگاه کنیم.

فریب عمدی

فریب پدیده‌ای رایج در طبیعت است. همهٔ حیوانات، از حشرات گرفته تا پستانداران، از ابزارهای

مختلفی مانند استتار و تقلید برای حفظ بقا در مقابل شکارچیان، طُعمه و حتی اعضای یک گونه استفاده می‌کنند. بااین‌حال، استتار و تقلید مبتنی بر فریب‌های فیزیکی هستند و نیازی به تحریف شناختی یا اطلاعات غلط عمدی ندارند. از طرف دیگر *دروغ‌گویی* یک عمل فریب دادن است که در آن یک بیانیهٔ کلامی با قصد ایجاد یک باور غلط در فرد دیگر وجود دارد. دروغ در اصل با زبان گره خورده است. بااینکه برخی اعمال فیزیکی فریب نیز ممکن است عمدی باشند، مانند زمانی که با اشاره جهت مخالف فروشگاه را به کسی نشان می‌دهیم؛ اما تعیین اینکه آیا فریب دیده‌شده در حیوانات در طبیعت عمدی است یا خیر، دشوار است. با این حال، موارد قابل توجهی از فریب زیرکانه در پستانداران غیرانسانی مشاهده شده است و دانشمندان معتقد بودند که چنین مواردی در طبیعت عمدی هستند (به‌عنوان مثال، برن و وایتن، ۱۹۹۲؛ جولی، ۱۹۹۶؛ وایتن و برن، ۱۹۸۸).

بنابراین، درحالی‌که ممکن است مواردی از فریب در حیوانات وجود داشته باشد، اما احتمال دارد فریب عمدی در میان آنها رواج کمتری داشته باشد و این نوع فریب بیشتر توسط انسان‌ها نمایش داده می‌شود. علاوه بر این، نیاز زبان باعث می‌شود که دروغ‌گویی کم‌وبیش منحصر به قلمرو انسان باشد. دروغ عملی است که به‌احتمال زیاد قدمت آن به‌اندازهٔ قدمت زبان انسان است. این یک رفتار پیچیده است و اگرچه اصطلاح «دروغ‌گویی» را به بیان ساده می‌توان برای اشاره به چیزی بر خلاف واقعیت به کار برد، دروغ درواقع شامل عناصر متعددی است. یکی از تعریف‌های دروغ‌گویی، بیانیه‌ای عمدی است که با هدف فریب دادن گفته می‌شود. گفتن چیزی که نادرست است، همیشه به معنای دروغ‌گویی نیست. ممکن است گوینده با باور به اطلاعات نادرست خود، اشتباه غیر عمدی مرتکب شود. برای مثال، همسایه‌تان از شما می‌پرسد که استخر چه زمانی باز می‌شود. شما می‌دانستید که استخر همیشه ساعت ۱۱ صبح باز می‌شود و این اطلاعات را به همسایهٔ خود می‌گویید. بااین‌حال، شما در اشتباه هستید. استخر محله ساعات کار خود را تغییر داده است و اکنون فقط در هنگام ظهر باز است. هنگامی‌که به همسایهٔ خود این اطلاعات نادرست را دادید، آگاهانه و از روی عمد قصد فریب او را نداشتید؛ بلکه آنچه را معتقد بودید درست است، بیان کردید. شما اشتباهی غیرعمدی مرتکب شده‌اید.

وقتی اظهارات گوینده نادرست است، اما فرد قصد فریب دادن ندارد، بازهم اظهارات او به‌منزلهٔ دروغ تلقی نمی‌شود. وقتی ما از تشبیه، مبالغه، کنایه یا جوک گفتن استفاده می‌کنیم، قصد فریب دادن کسی را نداریم و به‌طور معمول این جملات را در قالب دروغ در نظر نمی‌گیریم. اگر در یک روز ابری و سرد باران می‌بارد و من می‌گویم: «چه روز زیبایی!» دیگران متوجه خواهند شد که اظهار نظر طعنه‌آمیز من به این معنا است که من می‌دانم که واقعیت خلاف آن چیزی است که به‌ظاهر می‌گویم. من هم این جمله را با این نیت بیان می‌کنم که دیگران بدانند به نظر من امروز روز زیبایی نیست. ما

اغلب چنین جملاتی را با لحن و حالات چهرهٔ خود نشان می دهیم که به شنوندگان کمک می کند تا نسبت به نیت گوینده آگاه شوند (به‌عنوان مثال من می‌گویم چه هوای خوبی است زیرا می‌خواهم بر این باور خود تأکید کنم که آب‌وهوا برعکس آنچه می‌گویم است). دروغ‌گویی زمانی است که اظهاراتی را بیان می‌کنیم که قصد داریم دیگری این ادعای نادرست را باور کند. ما می‌خواهیم دیگران چیزی را باور کنند که خودمان می‌دانیم درست نیست و از طرفی می‌خواهیم آنها فکر کنند که ما آن را باور داریم.

دروغ‌های کوچک، دروغ‌های بزرگ و کسانی که زیاد دروغ می‌گویند

به‌طور کلی دروغ‌گویی چقدر رایج است؟ تحقیقات روی بزرگ‌سالان نشان می‌دهد که اعمال فریبکارانه‌ای مانند دروغ‌گویی و تقلب غیر معمول نیستند. دروغ گفتن یک اتفاق غیر معمول در زندگی بزرگ‌سالان نیست. ما دروغ‌گوها را دوست نداریم و دوست نداریم به ما دروغ بگویند، بااین‌حال گاهی‌اوقات برای رسیدن به آنچه می‌خواهیم و اجتناب از آنچه نمی‌خواهیم، مؤدب بودن یا گاهی کمک به دیگری به این راهبرد متوسل می‌شویم.

به‌عنوان مثال، در یک مطالعه، محققان دریافتند که افراد اغلب تقلب می‌کنند؛ اما فقط به میزان کمی تقلب می‌کنند (مازار و همکاران، ۲۰۰۸). در آن مطالعه، به بزرگ‌سالان ۲۰ تمرین اعداد ماتریسی داده شد تا آنها را حل کنند و سپس خودشان گزارش دهند که چه تعداد از آنها را اشتباه حل کرده‌اند. این تمرین‌ها بسیار دشوار بودند و با اجرای آزمایش و بررسی پاسخ‌های افراد، محققان می‌دانستند که به‌طور میانگین، افراد می‌توانند تنها چهار تمرین را درست حل کنند. بااین‌حال، زمانی که افراد می‌توانستند خودشان تعداد تمرین‌هایی را که به درستی حل کرده‌اند گزارش دهند، محققان متوجه شدند که بیشتر افراد امتیاز خود را بالاتر از آنچه واقعیت داشت گزارش کردند. تا چه حد؟ به‌طور متوسط، افراد گزارش دادند که دو ماتریس بیشتر از آنچه در واقعیت حل کرده بودند، حل کرده‌اند. قابل ذکر است که آنها فقط میزان کمی تقلب کردند. هنگامی‌که محققان انگیزهٔ شرکت‌کنندگان را با افزایش مقدار پولی که شرکت‌کنندگان با حل‌کردن هر ماتریس می‌توانستند برنده شوند افزایش دادند، جهشی در ادعاهای نادرست افراد مشاهده نکردند. افراد هنوز هم فقط کمی تقلب می‌کردند. محققان بیان کردند که افراد فقط میزان کمی برای افزایش منافع خود تقلب می‌کنند و نه خیلی زیاد؛ به‌طوری‌که آنها خودپنداره‌شان که در اصل باصداقت هستند را حفظ کنند؛ بنابراین، ما ممکن است برای رسیدن به منافع بیشتر فقط کمی تقلب کنیم تا حدی که بتوانیم آن را بدون ایجاد احساس ناخوشایند در مورد خود تحمل کنیم. ما دوست داریم احساسات خود را در مورد صداقت و نجابت ذاتی خود حفظ کنیم.

به‌طور کلی به نظر می‌رسد که اکثر افراد در بیشتر اوقات راست‌گو هستند. به‌عنوان مثال، برای